

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۷۴ - ۴۹

اندیشه و آرمان یهود در رمان‌های معاصر عرب (مطالعه موردی: رمان‌های احمد و داوود و صدیقتی الیهودیة)

۱ ابراهیم برزگر

۲ اردشیر صدرالدینی

۳ مصطفی یگانی

چکیده

رمان یکی از انواع ادبی، در ادبیات مقاومت است که بعد از حضور رژیم صهیونیسم در منطقه مورد توجه برخی از نویسندگان متعهد و وطن پرست قرار گرفت. از اینرو، نویسندگان عرب در نوشته‌هایشان می‌کوشند با تحریک حس غیرت ملی به‌ویژه نسبت به عنصر زبان، روحیه اتحاد میان مردم را تقویت کند. در عین حال از مسائل جهان، بیرون از مرزهای جغرافیایی سرزمینی که در آن زاده شده نیز غافل نیست. با تأمل ادبیات داستانی امروز عرب، آثار داستانی فراوانی را متأثر از جنگ بین مسلمانان عرب و صهیونیسم می‌یابیم که نویسندگان این آثار، مستقیم یا غیر مستقیم از این پدیده تأثیر پذیرفته‌اند تا چهره واقعی یهود غاصب را به جهان معرفی نمایند. قوم یهود با ویژگی‌های خاصی که دارد، به عنوان بدترین دشمن اسلام معرفی شده و هیچ کس به سرسختی او با مسلمانان مقابله نمی‌کند. تحقیق حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی و با هدف معرفی چهره یهود در رمان‌های احمد و داوود و صدیقتی الیهودیة نگارش شده است، یافته‌ها حاکی از آن است که در هر دو رمان، آنان در آثار خود از حادثه تاریخی سخن می‌گویند و با بهره از ظرفیت‌های ادبیات داستانی، روایتی ماندگار از واقعیت‌ها بیان شده است و از تمامی مؤلفه‌ها و روایتی به عنوان نشانه‌ای برای تبیین اعتقادات و ایدئولوژی مورد نظر خود استفاده نموده‌اند تا تصویر واقعی یهودیان روشن گردد. در این رمان‌ها پیش زمینه‌ای را که عملیات شهادت آغاز می‌شود، روشن می‌کند و به سؤالات مطرح شده در عرصه بین‌المللی در مورد مقاومت، شهادت و آنچه غرب تروریسم می‌نامد پاسخ می‌دهند.

واژگان کلیدی

ارزشهای مرجع، چهره یهود، رمان معاصر عرب، احمد و داوود، صدیقتی الیهودیة.

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

Email: e.barzagar93@yahoo.com

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Ardashir.sadraddini@gmail.com

۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

Email: sobhanyegani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۲۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

طرح مسأله

رمان، روایت متنور خلاق‌های است که با طول چشم‌گیر و پیچیدگی خاص که با تجربه انسانی همراه با تخیل سر و کار داشته باشد و از طریق حوادث بیان شود و در آن گروهی از شخصیت‌ها در صحنه مشخصی شرکت داشته باشند (Suhail Mahmoud Al-Zoubi, Samer Mahmoud Al-Zoubi., 2022). همچنین، ادبیات مقاومت عبارت است از آثاری که با توصیف فداکاری‌ها و دلاوری‌های یک ملت، به ایجاد روحیه شجاعت و پایداری در مخاطب می‌پردازد. آثاری که بیانگر یک ملت در یک برهه زمانی معین است. (رئیس سرحدی فریبا، خسروی حسین و آتش سودا محمدعلی، ۱۳۹۷). بعد از جنگ جهانی دوم و با انحصاری طلبی دولت‌های آمریکایی و اروپایی ادب مقاومت به معنای امروزی خود به وجود آمد. شکل‌گیری رژیم صهیونیستی و اشغال فلسطین و حمله به کشور اردن، سوریه، لبنان و مصر و همچنین انقلاب اسلامی ایران آثار یگانه‌ای را در حوزه ادبیات مقاومت ملل شرقی و اسلامی پدید آورد (ممتحن مهدی، لک ایران، ۱۳۹۲).

شکست اعراب از رژیم صهیونیستی اسرائیل در سال ۱۹۸۴ میلادی، شاعران و نویسندگان عرب را در زمینه‌های مختلف ادبی به شدت تحت تأثیر قرار داد و سبب شد که مسأله فلسطین به صورت گسترده‌ای به رمان‌ها و داستان‌های کوتاه و نمایشنامه راه یابد. بنابراین نویسندگان اعراب برای بیان نظریات و احساسات خود و نشان دادن اوضاع فلسطین، به ثبت این تراژدی در آثار خود پرداختند (سیچرمن هاروی، ۲۰۱۱). نجیب الکیلانی، فتحی غانم، سحر خلیفه و صبحی فحماوی از جمله این نویسندگان هستند تا چهره واقعی یهودیان و رژیم صهیونیسم را به تصویر بکشاند. رمان احمد و داوود از رمان‌های عرب معاصر است که کوششی برای درک مسائل اعراب و یهودیان است که فتحی غانم در این رمان بدان پرداخته تا غاصب بودن یهودیان در سرزمین‌های اعراب روشن گردد. صبحی فحماوی در اثر خود صدیقتی الیهودیة به تبیین چهره صهیونیسم بطور خاص و یهودیت به صورت عام پرداخته است (گوساکوف اران، ۲۰۱۸).

از اینرو، در پژوهش حاضر پس از بدست دادن خلاصه رمان‌ها، به تحلیل سبک

شخصیت پردازی نویسندگان پرداخته، سپس اسلوب و شیوه بیان رمان ها، نحوه توصیف، عناصر زمان و مکان در آن و نیز ساختار زبانی آن را بررسی شد. از خلاصه های بدست آمده، ابعاد محتوایی و ساختاری رمان مورد نقد و تحلیل قرار می گیرد و آنگاه به تبیین تصویر چهره یهود پرداخته می شود. از طرفی نشانه شناسی به عنوان دستاورد نقد و نظریه ادبی، روشی برای تشخیص چگونگی برساخته شدن معنا در رابطه میان دال و مدلول است و نشانه شناسی ساختار و ارکان روایت داستانی، روش نویسنده در ارائه مدلول مورد نظر از رموز دلالتی متن را تبیین می کند. رمان نویسان پژوهش حاضر، در داستان های خود به واقعیت های دنیای اسلام در چارچوب زیبایی شناختی ساختار داستانی توجه دارند. آنان در آثار خود از حادثه تاریخی سخن می گویند و با بهره از ظرفیت های ادبیات داستانی، روایتی مانند گار ارائه می دهند و از تمامی مؤلفه ها و روایتی به عنوان نشانه ای برای بیان ایدئولوژی مورد نظر خود استفاده می کنند تا تصویر واقعی یهودیان نمایان شود. بدین ترتیب نگارنده در این تحقیق ضمن یافتن پاسخ مناسب برای سؤالاتی چون: تصویر چهره یهود در رمان های احمد و داوود، صدیقتی الیهودیة عرب چگونه می باشد؟ رمان نویسان معاصر عرب: فتحی غانم و سحر خلیفه در بیان اندیشه، افکار و احساسات خود از طریق عناصر داستانی تا چه اندازه موفق بوده اند؟ با بحث و بررسی درباره عناصر رمان های مورد نظر سعی در توصیف چهره واقعی یهودیان و رژیم صهیونیسم با توجه به اعمال خود در جهان اعراب و منطقه دارد.

رمان یکی از انواع ادبی، در ادبیات مقاومت است که بعد از حضور رژیم صهیونیسم در منطقه مورد توجه برخی از نویسندگان متعهد و وطن پرست قرار گرفت. از اینرو، آثار و رویکرد اسلامی نویسندگانی چون فتحی غانم و سحر خلیفه، همواره مورد توجه محققان و دوست داران ادب اسلامی بوده است و بارها مورد پژوهش قرار گرفته، اما با توجه به جایگاه ویژه این ادبا و آثار آنان، این بار تلاش می شود رمان های این رمان نویسان شناخته شده جهان عرب، از منظری جدید، به عبارتی از منظر دو علم نشانه شناسی و روایت شناسی مطرح در علم نقد و نظریه ادبی، مورد پژوهش قرار گیرد تا دلالت های این ابداع ادبی در حوزه رمان های اسلامی ادبیات پایداری روشن شود؛ لذا در این جستار، چگونگی بازنمایی

نیات نویسندگان در ساختار داستان مذکور که همانا به تصویر کشاندن چهره واقعی رژیم صهیونیسم و یهودیان می‌باشد، تحلیلی نشانه شناختی خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

رمان احمد و داوود

الف: معرفی اجمالی محمد فتحی غانم

روزنامه‌نگار و داستان‌نویس مصری با نام کامل (محمد فتحی غانم) در سال ۱۹۲۴ در قاهره به دنیا آمد. وی در سال ۱۹۴۴ از دانشکده حقوق دانشگاه قاهره که در آن زمان دانشگاه ملک فواد نامیده می‌شد فارغ التحصیل شد. پس از فارغ التحصیلی در حوزه روزنامه‌نگاری و سردبیری چندین نشریه مطبوعاتی (صبح بخیر، روزنامه الجمهوریه، رز الیوسف) و همچنین سمت ریاست هیئت مدیره خبرگزاری خاورمیانه را بر عهده داشت. تعدادی از آثار ادبی که تعدادی از آنها به آثار سینمایی و تلویزیونی تبدیل شده‌اند، از جمله: (کوه، مردی که سایه‌اش را گم کرد، آن روزها زینب و عرش، دختر شبره). تفسیری بر سیاست درهای باز در مصر و رمان احمد و داوود (۱۹۸۹)، کوششی برای درک مسائل اعراب و یهودیان است. وی در سال ۱۹۹۹ چشم از جهان فرو بست.

فتحی غانم نمایانگر نقطه عطف مهمی در تاریخ روایت عرب در عصر مدرن است، زیرا او آثار برجسته بسیاری را در هنر داستان و روایت از زمان طلوع ستاره‌اش در اواخر دهه پنجاه قرن گذشته به کتابخانه عرب ارائه کرد. آثار فتحی غانم به بسیاری از زبان‌های خارجی ترجمه شد و علاوه بر خدمات روزنامه‌نگاری که در آن سمت‌های حرفه‌ای بسیاری داشت، جوایز و افتخارات بسیاری را دریافت کرد که از مهمترین آنها می‌توان به مدال علم و هنر در سال ۱۹۹۱ اشاره کرد. و لوح تقدیر دولتی در سال ۱۹۹۴ آثار کامل این نویسنده فقید در هشت جلد، شامل آثار داستانی وی می‌باشد. در مورد آثار داستانی او، در جلد هفتم گنج‌نامه شده است، در حالی که جلد هشتم به نوشته‌های او در زمینه هنر، فرهنگ و سیاست اختصاص دارد.

ب: تحلیل محتوای رمان احمد و داوود

رمان احمد و داوود درباره سکونت یهودیان در سرزمین های اشغالی فلسطین و تأسیس رژیم صهیونیسم سخن گفته است. راوی در روایت احمد و داوود مریض است، به محض اینکه خبر به او از بیماری خود می-گوید که منجر به مرگ قریب الوقوع می شود، تا جایی که زمینه های هوشیاری سالم در وجودش بیدار می شود و خاطرات فراموش شده به یاد می آورد و همه آن را به بیرون می ریزد. ابعاد وجودش را هوشیار می کند. همانطور که او زیر سیلی از دغدغه های ظروف به ارث رسیده است. او از مرزهایی که مردم ملتش را از هم جدا می کند بالا می رود و حس باستانی بودن عضوی از خانواده بزرگ عرب را دوباره به دست می آورد.

چیزی که آن را به سرزمین شام مرتبط می کند - برای مثال - همسایگی جغرافیایی، تاریخ مشترک یا منافع متقابل نیست، بلکه دشمنی خونی است که در همان شریان ها از مرزهای مشابه جریان دارد. اما خونی که در شریان های متروک جاری می شود، برکت وحدت ملی را به همراه دارد و از درد زخم فلسطین لبریز می شود، بنابراین راوی شخصیت احمد فلسطینی را به خود می-گیرد. در روستای فلسطینی اورشلیم، که توسط سواره نظام چرکس او، شوکت الانصاری، فتودال ترک اداره می شود، احمد با پدری که تانکر می ساخت، خواهری که گوسفند به چرا می برد و مادری که از خانه مراقبت می کرد زندگی می کرد. هر دهقان فلسطینی یهودیان از اورشلیم به روستا می رفتند تا خود را با آب حوض مقدس آن تطهیر کنند و در روستا آن ها سبزی و میوه می فروخت و از شالوم یهودی برای فرزندان خود ساعت می خرید.

مسلمانان و یهودیان منافع خرید و فروش را رد و بدل می کردند و روابط دوستانه ای داشتند که در مناسبت های شادی و عزا ظاهر می شود و اکنون سؤال این است که چگونه یهودیان فلسطینی به عضویت سازمان های صهیونیستی در می آیند که برای مردم قتل و گور دسته جمعی حفر می کنند. اجساد مسلمانان و مسیحیان فلسطینی؟ (غانم، ۲۰۰۷: ۵-۶).

در اینجا نویسنده به جریان خرید و فروش سرزمین های فلسطین اشاره می کند. بی تردید رونق دنیای سرمایه داری در غرب و اروپا بر توان مالی یهودیان نیز تأثیر گذاشت و

عده‌ای از آنان را وارد بازارهای پرسود جهان ساخت. این تغییر وضعیت باعث گردید تا یهودیان سرمایه‌دار با تشویق دیگر یهودیان آنان را از اجتماعات منزوی و بسته مذهبی خود به سوی بیرون و کارهای تجاری و مولد سوق دهند. با ورود یهودیان به این عرصه و نیاز به جذب و حضور در بازارهای جدید، امپراطوری عثمانی مورد توجه قرار گرفت. در واقع حربه‌هایی یهودیان ثروتمند از دست هم‌کیشان فقیر خویش، بخشی از حمایت سرمایه‌داری یهود از جنبش صهیونیسم را تشکیل می‌دهد. هر چند بازرگانان یهودی ایندا اوگاندا را بر فلسطین ترجیح می‌دادند، اما با پیروزی جناح طرفدار انگلیس، فلسطین به عنوان پناهگاه یهودیان و حافظ منافع غربیان در نظر گرفته شد.

عملکرد نفوذی‌ها در فلسطین: پیر و جوان، زمین-داران بزرگ، رهبران فرقه‌ها و سران قبایل... که از اسرار عمل سیاسی در همه راه‌های توبه‌آمیز آن آگاه هستند و نگاه می‌کنند. برای رزق و روزی و امنیت به دور از دولت‌ها... گروه‌های صهیونیستی به آنها یورش بردند: خانه‌هایشان را ویران کردند، آنها را سلاحی کردند، آبرویشان را از بین بردند، و دولتی را بر سرزمینشان تحمیل کردند که ستون‌هایش بالای اعضای بدنشان است؟ آیا در ابتدا یهودیان فلسطین از وفاداری نسبت به سرزمین فلسطین به وفاداری به موجودیت و تأسیس رژیم صهیونیستی تغییر یافتند؟ و آیا در دوران جنینی نفرت در روح اقلیت یهودی در مواجهه با اکثریت مسلمان نهفته بود؟ خانواده شالوم قبلاً در محله یهودی نشین اورشلیم زندگی می‌کردند و با مسلمانان عرب پیوند داشتند، اما این‌ها رشته‌های ضعیفی هستند که بر روی شکافی که این دو گروه را از هم جدا می‌کند گسترش می‌یابد و احساس تشویش و عدم امنیت را برای اقلیت ایجاد می‌کند. و آمادگی برای دفع خطری که در اطراف خانه، کودک یا منبع امرار معاش است.

آیا دقیقاً در فضای متفاوتی که دو عقیده را از هم جدا می‌کند، رشد کرده است، که هر یک منعکس‌کننده تصویری از زندگی و مجموعه‌ای از ارزش‌ها است که اساساً با دیگری متفاوت است: مسلمانان چشم‌شان به آسمان است و یهودیان به زمین، زیرا جز این دنیا چیزی نمی‌شناسند. مسلمان معتقد است که خداوند حاکم، مسلط، روزی و عادل و عادل است و به همین دلیل است که از میان مردمی که بر او حکومت می‌کنند، او را یاری

نمی کنند، در حالی که یهودی به دنبال سیاست پنهان و اعلام شده است. از فرمانروا و مشتاق خواندن نشانه های طلوع یا غروب خورشید در خورشید حجت اوست.

تأمل عمیق تر در واقعیت تفاوت اساسی بین این دو ایمان، تمایز بین دو نظام عقاید و ارزش ها را آشکار می سازد، که یکی از آنها حول محور پدر می چرخد: مولایی که امر به اطاعت می کند... تأمین کننده معاش و نگهدارنده سنت ها، که نام، دین و ارزش های پسر را می گذارد و برای او داماد و همسرش را انتخاب می کند. در حالی که سیستم دیگر حول محور مادر می چرخد: سرپرست پسر، جنین، کودک و پسر، و کسی که نام، دین و ارزش های او را به او می بخشد. ساره به احمد می گوید: وقتی پسر از شکم من بیرون آمد، این یعنی از شکم من بیرون آمد... از بدن من بیرون آمد. منم که آن را ساختم... مادر است که فرزند را به دنیا می آورد و اوست که دینش را همان گونه که جانش را به او بخشیده است».

یهودی از تعلق خود به مادر و سرزمین، حس عملی و عقلانی به دست می آورد که او را مشتاق درک جزئیات واقعیت پیرامون خود و پیگیری تغییرات و دگرگونی های آن می کند، زیرا می داند که این تغییرات ممکن است دربرگیرنده پیشگویی هایی از آینده باشد. چرخش در مدار پدر و پیرو او بودن، به بینش زندگی مسلمان فلسطینی ثبات می بخشد و آداب و سنن و ارزش ها را ستون های معماری رفیع و استوار در معماری می سازد که ستون های آن در وجدان نسل ها ادغام و جا افتاده است. اهتمام به این بنای مقدس با همه اشراف و اصالتش، دغدغه اول می شود: وقتی یهودیان می خواستند دیواری را که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن در شب اسراء به آسمان عروج کرده بود، در انحصار خود در آورند. دو فلسطینی خشمگین از شیوخ برخاستند و مانند دو شیر برای دفاع از دیوار مقدس به راه افتادند. و هنگامی که مسلمانان دریافتند که لاشه شتری را در آب حوض مقدس انداخته اند، وحشت فراگیر شد، ناله بلند و سروصدا و زاری شدت گرفت (طبار، ۱۳۳۵: ۷۱-۷۲).

کمترین چیزی که به نمادهای مقدس توهین می شود، یک مسلمان را تا شدیدترین خشم برمی انگیزد، اما تغییرات در واقعیت روزانه، برای او بخش اصیل و جدیدی از بینش او از جهان نیست.

شوکت الانصاری، حاکم فتودال ترک، با ثروت و کاریزمای خود، از بدهی‌ها، ورشکستگی و کاهش نفوذ رنج می‌برد. هنگامی که املاک خود را به یهودی آلمانی فروخت، می‌خواست عقب‌نشینی‌اش یک شخصیت تأثیری بزرگ داشته باشد: سینه‌هایش را با سنگ تزئین کرد و با شوالیه‌ها حمل کرد و آنها را با سلاح از روستا بیرون کردند و از طلاها محافظت می‌کنند و مسلمانان معتقدند جعبه‌های آن طلا دارد و آنها هستند که از تلفات بزرگ او بسیار می‌دانند. روی میزهای قمار، و در میان آنها کسانی هستند که او را در حال پر کردن جعبه‌های طلا دیدند. آنها می‌خواستند باور کنند که چون تسلیم شدن در برابر ورشکستگی او به معنای پذیرفتن پایان یک شخصیت اسطوره‌ای است که در طول سال‌ها توسط نسل‌هایی ساخته شده است که عادت به تسلیم شدن در برابر ثروتمندترین مردم روی زمین ... ارباب زمین و ... کسانی که روی آن هستند... پناهگاه انسان‌ها، منبع قدرت، اعتبار و نفوذ، و منبع ترس و ترس (فتحی غانم، ۲۰۰۷: ۱۷). و چون عقل آنها را با منطق احاطه کرد، آنها را بر آن داشت که اعتراف کنند که ثروت انصاری جز گنجی دروغین نیست.

یک یهودی آلمانی در املاک انصاری ساکن شد و در آن‌جا از غریبه‌های مغرور پذیرایی می‌کرد و به آنها استفاده از سلاح می‌آموخت و با وجود آن پدر احمد همچنان از یهودی آلمانی حمایت می‌کرد و تانک به او نشان می‌داد و او فرصت‌طلب و خائن به گروه خود نبود. خانواده‌اش، او مدام آرزو می‌کرد که غریبه‌های جدید مانند همه غریبه‌هایی باشند که با لشکرها یا کاروان‌های تجاری به فلسطین آمده‌اند، و سرزمین عرب همیشه می‌تواند بیگانگی‌شان را از آنها بزدايد، به زبان‌شان صحبت کند، لباس‌شان را بپوشاند. و هنگامی که ایمان خود را به اسلام اعلام کردند، آنها را به مردمش ملحق کنید.

«در مطلب فوق در اصل نویسنده اشاره به سرگذشت تصاحب سرزمین‌های اشغالی فلسطین می‌کند:

در سال ۱۹۴۷ نیروهای انگلیس که فلسطین را به اشغال خود در آورده بودند خود را از مناسبات کنار کشیدند. برحسب طرح تقسیم ارائه شده توسط سازمان ملل قرار بر این بود که این منطقه بین اعراب و یهودیان به‌طور مساوی تقسیم شود و بیت المقدس (اورشلیم)

نیز محدوده تحت نظارت سازمان ملل قرار گیرد تا از ایجاد برخورد جلوگیری شود. اعراب با تشکیل حاکمیتی یهودی به هر نحو، مخالف بودند و مخالفت خود را اعلام کردند. در ۱۴ مه ۱۹۴۸، چند ساعت پیش از پایان حاکمیت انگلیس بر فلسطین، تشکیل کشور اسرائیل اعلام شد. در سال ۱۹۴۸ با اشغال قسمت اعظمی از فلسطین در محل باستانی کشور پادشاهی مکابیز، دولت اسرائیل در آسیای غربی در مشرق مدیترانه تشکیل شد. مساحت آن ۲۱۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۳۶۹۰۰۰۰ نفر است. پایتخت آن شهر تل آویو و شهرهای عمده آن اورشلیم و حيفا (بندر مهم) است. طبق قانون مستند کنست بنا بوده است برخلاف طرح تقسیم ارائه شده توسط سازمان ملل، پایتخت این کشور به اورشلیم منتقل شود و سفارتخانه‌های خارجی نیز به آنجا برود، اما تاکنون فقط ایالات متحده آمریکا این تصمیم را به رسمیت شناخته است و مرکز نمایندگی اصلی خود را به اورشلیم منتقل کرده است و عملاً هنوز تل آویو پایتخت است. هرچند در منابع رسمی دولت اسرائیل، اورشلیم به عنوان پایتخت معرفی می‌شود و تل آویو تنها یک شهر مهم به‌شمار می‌آید (احدی، ۱۳۸۹: ۴۷-۴۸).

در پی تأسیس کشور اسرائیل، ارتش‌های مصر، سوریه، اردن، لبنان و عراق به یکدیگر ملحق شدند و جنگ مشترکی را علیه اسرائیل به راه انداختند و به این ترتیب مرحله دوم از جنگ‌های اعراب و اسرائیل آغاز شد. پیشروی لبنان، عراق و سوریه از شمال تقریباً در نزدیکی مرز متوقف شد. حمله اردنی‌ها از شرق باعث تصرف شرق اورشلیم و محاصره بخش غربی آن توسط ارتش این کشور شد (کثیری نژاد، ۱۴۰۰: ۱۳۱).

اگرچه هاگانا موفق شد جلوی پیشروی آن‌ها را بگیرد و در جبهه جنوبی نیز نیروهای ایرگون موفق به عقب راندن نیروهای مصری شدند. سازمان ملل در ابتدای ژوئن آتش‌بسی را برقرار کرد و در طول مدت همین آتش‌بس نیروی‌های رزمی اسرائیل شکل گرفتند. پس از چند ماه جنگ مجدد، آتش‌بس دیگری در سال ۱۹۴۹ شکل گرفت و مرزهای اولیه‌ای موسوم به خط سبز تعیین شد. به این ترتیب اسرائیل توانست ۲۶ درصد دیگر از منطقه غرب رودخانه اردن را تصرف کند (احدی، ۱۳۸۹: ۶۹). اردن نیز بخش‌هایی از جمله کوهستان‌های وسیع جودیا و سمیرا را در اختیار گرفت که کرانه باختری نامیده شد. مصر

نیز کنترل ناحیه باریکی از ساحل مدیترانه را در اختیار گرفته که با نام نوار غزه شناخته می‌شود. طی جنگ، دیوید بن گوریون که اولین نخست وزیر کشور تازه تأسیس اسرائیل شده بود سعی در انحلال شاخه نظامی هاگانا و گروه‌های ایرگان و لهی و ادغام آن‌ها در ارتش کرد. این دو گروه شاخه‌های تروری مخفی تشکیل داده بودند و مسوول قتل یک دیپلمات سوئدی بودند (کثیری نژاد، ۱۴۰۰: ۵۸).

پس از آن جمعیت زیادی از اعراب از سرزمین‌های به اشغال درآمده یهودی رانده شدند. تعداد این آورگان بین ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود و رقم رسمی سازمان ملل در این رابطه ۷۱۱ هزار نفر است و تا به امروز نیز برخلاف نظر جامعه بین‌الملل و قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل اجازه بازگشت به آنان داده نشده است. در طول یک سال پس از اعلان استقلال اسرائیل بازماندگان هولوکاست و یهودیان رانده شده از کشورهای عربی به این کشور مهاجرت کردند و در طول یک سال جمعیت این کشور بیش از ۶۰۰ هزار نفر افزایش یافت (صفتاج، ۱۳۹۹: ۱۰۹).

نگاه مستمر به آسمان با وسعت، عمق بیکران، ثبات، پایداری و حضور مستحکم، احساس ثبات و استحکام چارچوب کلی را در روح مسلمان فلسطینی عمیق می‌کند که شامل دانش، اندیشه، ارزش‌ها و ارزش‌های اوست. بینش جهان، و در نتیجه آن چارچوب را از تأثیرپذیری از حرکت زمان در همه مظاهر فکری و ایدئولوژیک آن جدا می‌کند، با یقین به این نتیجه رسیده است که این چارچوب مازادی بی‌زمان است، و از ادعای اینکه تمام آنچه در آن وجود دارد خودداری می‌کند. عقاید و ارزش‌ها متعلق به دوران شمشیر و نیزه و شتر است که در جویدن گرسنگی و خار و شوالیه‌ها به دلاوری و دلاوری خود می‌بالیدند. و وقتی زمانش رسید با ماشین و تفنگ و دخترانی که از خانه‌ها بیرون می‌آیند و زمین را زراعت می‌کنند و اسلحه حمل می‌کنند، سایه مسلمان فلسطینی را رد می‌کند و آنچه را که به چشم خود می‌بیند، رد می‌کند، انتظار معجزه‌ای دارد که زندگی را به مسیر اول بازگرداند.

احساس امنیت در چارچوب یک تصور یکپارچه از زندگی، مسلمان فلسطینی را از توجه به تغییراتی که به دنبال او می‌آید باز می‌دارد و در نتیجه او را از بالا بردن اهداف و

انتخاب واکنش های مناسب و سازماندهی روش های کنش جمعی که متناسب با آن است باز می دارد. آنچه او از جنبش های جمعی خصمانه با آن روبرو است. مسلمانان فلسطینی اهمیت فروش شوکت انصاری را درک نکردند و چشمانشان برای درک رابطه این خروج از خویشاوندی با زوال دولت عثمانی و پیشرفت زبان انگلیسی باز نشد. استعمار برای پر کردن خلأ ایجاد شده توسط مونت بیمار اروپا، با شکایت از او بخاطر سهم خود، شروع کرد.

مسلمانان فلسطینی متوجه نشدند که چرکس ها بقایای لشکر سلطان عثمانی هستند که فروپاشیدند، و تجمع برای انتقام از بی عدالتی و ظلمی که مرتکب شدند، حمله ای بدون نبرد یا جنگ علیه دشمنانی است که شکست خورده اند. زوال خورشید حکومتی را که نگرهبانی می دادند، توجیحات دشمنی در وهله اول، این بود و چون زمان کافی برای استقرار پاهایشان سپری شد، آنان را کشتند، ذبح کردند و آزار دادند، و چون مسلمانان داشتند. هیچ تصویری از تضادهای عمده یا جزئی که با آن روبرو بودند نداشتند، و برای مبارزه خود که اهداف سازمان های بلند مدت و کوتاه مدت را از هم جدا می کرد، بردی نداشتند، و شاهدان کوتاه مدت چرکس هایی را از دست دادند که جان و حیرت آنها را خفه کرده بود. و ناتوانی در عمل: آیا از چرکس ها مانند مسلمان ها دفاع می کنند یا مانند مسلمانان از آنها عقب می مانند یا مانند ظالمان ترک، ظالم دیروز، از آنها عقب می مانند؟ آیا اکنون و قبل از اینکه اسباب زور و ظلم بر آنان کامل شود به بیگانگان حمله می کنند یا تا زمانی که تجاوز به آنان سرایت نکند از تماس با آنان اجتناب می کنند؟

«كانت الوكالة اليهودية تبنى المدارس و تشتري الأراضي و تمهد أسباب الاستقرار للغرباء الوافدين و كانت تدرب الشباب على الزراعة و القتال و ظل والد أحمد يحذر ابنته الشباب من مخاطر الانضمام للجماعات التي أنتهت للخطر و حاولت التصدي له. كان يرى أن الغرباء الوافدين لا يهددون سماءه و لذا فان الابتعاد عنهم و اتقاء شرهم هو ما يكفل السلامة له و لاسرته».

و کلاهی یهود مدرسه می ساخت، زمین می خرید و راه را برای ثبات برای خارجی ها هموار می کرد و مردان جوان را در زمینه کشاورزی و جنگ آموزش می داد. پدر احمد مدام خطر پیوستن به گروه هایی را که متوجه خطر شده بودند به دختر خردسال اش گوشزد

می‌کرد و سعی می‌کرد تا با آن مقابله کند. او بر این عقیده بود که بیگانگان متکبر آسمان او را تهدید نمی‌کنند و از این رو دوری جستن از آنان و دوری از شر آنان، امنیت او و خانواده‌اش را تضمین می‌کند.

«به طور کلی، نفس اصول صهیونیسم و هدف آنان، ساختن یک مذهب و یک ملت و یک دولت از یهودیت است و می‌کوشد تا تمام یهودیان دنیا را با توسل به جنگ‌های توسعه طلبانه، در سرزمین فلسطین گرد هم آورد؛ زیرا براساس منطق عقل و قوانین جهانی، می‌توان بدون جنگ و زور و کشتار در جایی زندگی کرد و نباید به خاطر زندگی طولانی مدت در یک سرزمین ادعای مالکیت آن سرزمین را کرده و آن را متعلق به ساکنین اصلی آنان ندانست. در حالی که صهیونیست‌ها به خاطر این که عده‌ای از یهودیان در مدت طولانی در سرزمین فلسطین زندگی کرده‌اند و در آنجا پیامبرانشان برای هدایت آنان فرستاده شده بودند، ادعای مالکیت فلسطین را با جنگ و کشتار مسلمانان داشته و برخلاف منطق عقل و تمام قوانین حقوق بشر عمل می‌کنند، و همین نشانگر هدفی غیر از وطن دوستی است.»

و در طرف دیگر، سارا بنت شالوم، یهودی فلسطینی، احمد در مورد خروج خود از دیوارهای پالت شرقی، پشت سر گذاشتن ابریشم، طلا، ابزار تزئینی و رویاهای انتظار داماد صحبت کرد. او در مورد پیوستن به داماد با او صحبت می‌کرد. اردوگاه دختران در مزرعه، جایی که لباس‌های خشن، سختی زندگی، و نظم و انضباط و ارتش، جایی که دستان نرم نرمی خود را برای کاشت، درو کردن و گرفتن سلاح رها می‌کنند. اما احمد که سرشار از رضایت و ثبات عاطفی در ابعاد بینش باستانی است، به واقعیت‌تغییراتی که سارا را از یک دختر فلسطینی به یک سرباز وظیفه در ارتش اسرائیل تبدیل کرد توجهی نکرد و مدام به او نگاه می‌کرد. دو چشم عاشق که همیشه او را مانند سارا می‌دیدند، فلسطینی با عواطف و هوس‌بازی، خواهر دوستش داوود که مانند او برای موسیقی شرقی می‌خواند و خارجی‌ها را مانند او مسخره می‌کند (غانم، ۲۰۰۷: ۱۹-۲۰).

وقتی بیگانگان مزاحم به باندهای سازماندهی شده‌ای تبدیل شدند که ترور خود را برای تسخیر، سرکوب و محو موجودیت فلسطین و تحمیل حضور اسرائیل به زور اسلحه

انجام می دهند، فلسطینیان مسلمان متوجه نشدند که این توطئه برنامه ریزی شده بود. متجاوزان وطن، سرزمین، تاریخ و هویت را هدف قرار می دهند و مدام فکر می کردند که آنچه از آن دفاع می کنند، عقیده است. بنابراین، مسلمانان به مقاومت در برابر یهودیت متجاوز و مبارزه با یهودیان ادامه دادند: غریبه ها و فرزندان وطن با اصالت عرب و فرهنگ دوستان عرب. (عموی داود به احمد گفت: ساعتی پیش مسلم به ما تیراندازی کرد و بسام به احمد گفت: یهودیانی که ما را می شناسند از بیگانگان برای ما خطرناک ترند زیرا می ترسند و ما را به بیگانگان می فروشند تا اعتمادشان جلب شود. مسلمانان فضولی یهودیان را چنین می دانستند: همه یهودیان فرقه های یک فرقه هستند که عیب های خود را دارند زیرا در برابر آنها به عدالت شهید می شوند.

مسلمانان فلسطین از آسمان ها دفاع می کردند نه از زمین... از عقیده و نه از وطن و چون از آسمان منتظر یاری و پیروزی و معجزه بودند با دشمنی می -جنگیدند که به معنای نزدیک بودن آن نبود. و اهداف دور، و نه به این معنی که آنها از او یا تجهیزات او می دانند. و در غیاب اطلاعات، با علایق شرقی خود می جنگیدند و ابریشم، طلا، وسایل زینتی و رویاها را پشت سر خود به جای می گذاشتند و به فرضیات بدیهی وابسته بودند که تصور می کردند او قدرت انتظار برای داماد را دارد. زمین سرزمین آنهاست و وطن وطن آنهاست و خدا با آنهاست و قطعاً باز خواهند گشت. آنها نه نگران چگونگی بازگشت هستند و نه وطن برای رزمندگان خون آلود برای چه کسانی خواهد بود یا فرصت طلبان و ترسوها کافی است از نظر دینی یقین داشته باشند که در حال بازگشت هستند و تکه -هایشان در نهایت در خاک وطن خواهد ماند.

یهودیان در فلسطین به عربی صحبت می کردند، موسیقی شرقی می خواندند، غذاهای شرقی را می پذیرفتند و از زنان خود در برابر آنچه جامعه عرب آن را انحراف از سنت می داند محافظت می کردند و زمانی که یهودیان اروپایی به فلسطین آمدند سارا موسیقی و غنائم آنها را مسخره می کرد و داوود.

داوود همچنان در میان یهودیان اروپایی در زندان های نازی احساس بیگانگی می کرد و روحش مشتاق بود تا از شکافی که بین یهودیت و هویت عرب بر او تحمیل شده بود،

گذر کند. در حالی که مسلمانان فلسطینی تضاد خصمانه‌ای را بر یهودیان فلسطینی تحمیل کردند که ناشی از اختلاف عقیده بود، جنبش صهیونیسم آنها را افسانه‌ای ساخته بود و از محله‌های منزوی خود به فلسطین به غیر از جایی که می‌شناسند به آنجا پرواز می‌کردند: فلسطین سرزمین مقدسی است. جهانیان - در دست آنها - غلام سوم.

در اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌ها، زندانیان یهودی با داوود درباره اورشلیم صحبت می‌کردند، اما این شهری نبود که شاهد تولد، کودکی و جوانی او بود، بلکه شهری بود که با وجود درد و رنج، هاله‌های مقدسی در مقابل چشمانشان می‌درخشید. شکنجه، رعد مرگ و تاریکی جنون.

رؤیای رژیم صهیونیستی پرنده‌ای بود که با دو بال پرواز می‌کرد: اعتقاد به تحقق رویا تا حد یقین بالا می‌رود، حتی اگر همه شکست آن را ثابت کنند و آن را تضاد اساسی با منطق تاریخ و ارزش‌ها بدانند. از آن دوران، سپس یک مخلوط واقعی درازمدت که با عزم، پشتکار و صبر اجرا شد:

یهودیان مواضع ترک‌های آواره فلسطین را خریدند و با انگلیسی‌ها متحد شدند و از چرکس‌ها استفاده کردند، سپس به چرکس‌ها هجوم آوردند و - برای مدتی - فلسطینیان عرب را متحد کردند.

آیا در مصیبت مرگ و زندگی بین فلسطین عربی و اسرائیل، جنبش صهیونیستی هر روز موقعیت جدیدی پیدا می‌کرد در حالی که ما به سراغ احمد و یارانش و خانواده‌اش و وطنش می‌رفتیم تا اینکه با چاقو در خانه‌ها و تخت‌هایشان گرفتار شدند. بر گردن آنها؟ آن‌ها فاقد پول، اسلحه، مردم، شور و شوق و تمایل به جان باختن در راه دفاع از وطن نبودند.

آنها تظاهرات می‌کردند، می‌جنگیدند و به هر طرف حرکت می‌کردند، اما در نهایت به شکافی افتادند که دوران مدرن را از دوران فکری و متمدنی که فراموش کرده بودند جدا می‌کند. آنها فاقد بینشی مدرن از جهان، تجربیات گذشته، مطالعه داده‌های حال، پیش‌بینی چشم اندازه‌های آینده، دیدن جهان‌آنگونه که هست، دنبال کردن دگرگونی‌های آن با جدیت و دقت، و خواندن عمیق‌ترین و دقیق‌ترین نشانه‌های ذاتی در هر یک از آن‌ها نبودند. دگرگونی. بینشی که عواطف فردی و جمعی را با هم اشتباه‌نگیرد، گذشته را تنها

مرجع درك حال و آینده قرار ندهد، تسلیم هوی و هوس و آرزوها نشود و در انتظار معجزه نباشد، در تشخیص کوتاهی نکند.

بین اصلی، فرعی و حاشیه‌ای است و در پاسخ به سؤالاتی از جمله: چه کسی بهتر است، یک حاکم عرب که چرکس‌ها را نگه می‌دارد یا یک حاکم یهودی که ما را از دست چرکس‌ها نجات می‌دهد؟ چرا سرگرد انگلیسی با اینکه یهودی نیست و مسیحی اسکاتلندی است به یهودیان کمک می‌کند و در برابر اعراب تحمل نمی‌کند؟ آیا سرگرد انگلیسی به خاطر اینکه پشت سر یهودیان آب می‌ریخت به یهودیان کمک می‌کرد؟ آیا یهودی فلسطینی بر مسلمان فلسطینی برتر از یهودی خارجی است؟ آیا انگلیسی‌ها برای تعقیب یهودیان آلمانی به خاطر دشمنی با آلمانی‌های بدون مرز به فلسطین آمدند؟ (همان: ۲۱-۲۲).

آیا در مصیبت مرگ و زندگی بین فلسطین عربی و اسرائیل، جنبش صهیونیستی هر روز موقعیت جدیدی پیدا می‌کرد در حالی که ما به سراغ احمد و یارانش و خانواده‌اش و وطنش می‌رفتیم تا اینکه با چاقو در خانه‌ها و تخت‌هایشان گرفتار شدند. بر گردن آنها؟ آنها فاقد پول، اسلحه، مردم، شور و شوق و تمایل به جان باختن در راه دفاع از وطن نبودند.

آنها تظاهرات می‌کردند، می‌جنگیدند و به هر طرف حرکت می‌کردند، اما در نهایت به شکافی افتادند که دوران مدرن را از دوران فکری و متمدنی که فراموش کرده بودند جدا می‌کند. آنها فاقد بینشی مدرن از جهان، تجربیات گذشته، مطالعه داده‌های حال، پیش‌بینی چشم اندازهای آینده، دیدن جهان آنگونه که هست، دنبال کردن دگرگونی‌های آن با جدیت و دقت، و خواندن عمیق‌ترین و دقیق‌ترین نشانه‌های ذاتی در هر یک از آن‌ها نبودند. دگرگونی بینشی که عواطف فردی و جمعی را با هم اشتباه نگیرد، گذشته را تنها مرجع درك حال و آینده قرار ندهد، تسلیم هوی و هوس و آرزوها نشود و در انتظار معجزه نباشد، در تشخیص کوتاهی نکند. بین اصلی، فرعی و حاشیه‌ای است و در پاسخ به سؤالاتی از جمله: چه کسی بهتر است، یک حاکم عرب که چرکس‌ها را نگه می‌دارد یا یک حاکم یهودی که ما را از دست چرکس‌ها نجات می‌دهد؟

چرا سرگرد انگلیسی با اینکه یهودی نیست و مسیحی اسکاتلندی است به یهودیان کمک می‌کند و در برابر اعراب تحمل نمی‌کند؟ آیا سرگرد انگلیسی به خاطر اینکه پشت سر یهودیان آب می‌ریخت به یهودیان کمک می‌کرد؟ آیا یهودی فلسطینی بر مسلمان فلسطینی برتر از یهودی خارجی است؟ آیا انگلیسی‌ها برای تعقیب یهودیان آلمانی به خاطر دشمنی با آلمانی‌های بدون مرز به فلسطین آمدند؟ (همان: ۲۳).

احمد و داوود از نسلی عرب روایت می‌کنند که آن را تا سر حد بیماری و رنج از پا در آورده است. کینه‌های گذشته‌های دور، راویان آن آرزو دارند «پرتوی از زندگی‌اش را رها کنند که او را با سرش رها کند. روی دید درست و مبارزه‌ی واقعی، مرگ او را در میدان‌های جنگ ترویج می‌کند و بدین ترتیب از او محافظت می‌کند. او را از مرگ ناچیز در میان انبوه ابلهان و شهادت او را تاج شکوه و سرافرازی.

رمان صدیقتی الیهودیة

الف: معرفی اجمالی صبحی فحمان

«صبحی فحمان» نه تنها یک نویسنده و روزنامه‌نگار که مبارزی واقعی بود. برخی او را فردی عجیب می‌دانند و این تعبیر شاید از فعالیت‌های مختلف او برآمده است. مهاجرت اجباری به کشوری دیگر، زندگی در فقر، کار و تلاش برای گذران زندگی و... او را فردی خودساخته بار آورد. چندین فیلم با نگاه به آثار او و اقتباس از آنها ساخته شده است. این نویسنده عرب که در زندگی خود هم «قرار» نداشت در کنار مبارزه، هنرمندی سیاسی نیز به شمار می‌آید. جملاتی که از او باقی مانده، تاییدی بر این اصل هستند: «اگر در دفاع از یک موضوع شکست خورده‌ایم، باید مدافعان را عوض کنیم و نه موضوع را» و یا «باید در درون خود مردی بسازی که در روز سختی به دنبال گریزگاه نباشد». او را نویسنده توانای ادبیات داستانی عرب می‌دانند و این در حالی است که توانایی‌اش در حوزه اجتماعی نیز انکار ناشدنی است. زندگی سراسر از مبارزه او پایانی تلخ و هم‌خوان با تمام فعالیت‌هایش داشت. او در حادثه انفجار بمبی که در ماشینش کار گذاشته شده بود، کشته شد (گنجیان خناری، ۱۳۹۱: ۱۷۶).

ب: محتوای رمان صدیقتی الیهودیة

صبحی فحمان پیشقدم می شود تا آن روایت را مرور کند و به حدس و گمان خود دامن بزند و با وتر هیجانی که برگرفته از رابطه بین اجزای عنوان: (دوستی، یهودیت و زنانه شدن) است، بازی می کند که از آن نوشته گزاره ای مفهومی به دست می دهد. در آغاز، مشخص شده با نشانه ای از غرور در سلسله مراتب آن وقایعی که راوی آگاه گوینده را در طول رمان در مورد خود و دیگران، و از طریق جانشین فضایی متحرک در یک زمان محدود برای یک سفر گردشگری در سرزمین های غرب می سازد، که نمایانگر عنصر دیگری در رمان است، واقعیت دارد. جایی که نویسنده در توصیف جذاب یک ایده به دلیل ماهیت و زیبایی شناسی مکان، چه چیزی ممکن است آن را به یک اثر ترکیبی ادبی بین رمان و ادبیات سفر تبدیل کند.

از طریق گفت و گوی گسترده در این رمان، ما به دیالکتیک رابطه بین ایگو و یک شخص دیگر/دوست یهودی در جانشین سفر توریستی می پردازیم، که در آن طیف های مختلفی از شخصیت ها از اقوام و ملیت های مختلف نمایش داده می شود که این موضوع را برجسته می کند. براساس دیدگاه صبحی فحمان، گستردگی ارتباط انسانی قبل از به وقوع پیوستن امر ایدئولوژیک که همه روابط روایی را با تنش همراه می سازد، وجود دارد. برای ایجاد راه حل شبیه به مکان یا اجتماع رمان نویس است که نویسنده می تواند چارچوبی فضایی برای اثر بسازد که از آن به همه می رود. مکان ها و مشکلات وجودی که راوی شرکت کننده در رویداد رمان نویسی دچار آن می شود.

اتوبوس در حال آماده شدن برای صبح با موتوری است که بخار سفید کم رنگ از آگروز خود در میدان پیکادیلی در مرکز لندن ساطع می کند و مسافران منتظر پر شدن تعداد گروه هستند تا با آنها در یک گردشگر پرسه بزنند. سفر به هفت کشور شمال اروپا (فحمان، ۲۰۰۶: ۷).

این برخورد یا برخورد روانی تنش زای رابطه هویت عرب و هویت غرب/بیگانه در همه موقعیت ها نفوذ می کند تا حد زیادی تصاویر این ناهماهنگی را در روابط بیرونی انسان ها از طریق ایدئولوژیک آنها نشان می دهد. جهت گیری ها، آن وتر محکمی که

رمان در تمام طول مسیرش می نوازد، چه با فشار و کنایه از اصحاب غربی سفر به راوی اصلی رمان / عرب‌ها، که رمان‌نویس در آن نام «جمال» را بر آنها گذاشته است. مفهوم ملی عربی ... یا فشار روانی برای مقایسه دو جهان و شهروندان هر یک از آنها برای شعله ور کردن تضادهای حیرت آور، که ممکن است به رمان رنگ و بویی طنز بدهد که با آن روایت ممکن است ظاهر شود. می تواند رشته روابط مبهم و در نوسان را با تمام افرادی که در خانواده های آن رابطه قرار می گیرند، ادامه دهد، خواه آنها شخصیت های اصلی مانند «یائل» دوست یهودی باشند یا سایر شخصیت های سایه یا فرعی که در عرب می چرخد. از آنچه در آن اتفاق می افتد برای شخصیت یهودی است. بنابراین، این یک بازی تضاد فرهنگی است که وجود خود را تحمیل می کند.

شاید فلسفه پرداختن به مفهوم دیگری از آن سرچشمه گرفته باشد که ممکن است شخصیت اصلی رمان کاملاً در یک طرف متحول شده، در حالی که یهودی متعصب صهیونیست در طرف دیگر است. این مشکلی است که ممکن است رمان در تکثیر خود مطرح کرده باشد، که نویسنده مشتاق بود آن را از طریق داستان هایش که در بطن تجربیات خود در سفرهای قبلی است، متبلور کند... معنی / شکلی که رمان در آن رویایی به خود می گیرد. بعد یا ایستادن ملال آور روی جزئیات برای ایجاد پل ارتباطی با دیگری که از حضور او نمی ترسد، برخلاف آن همه مسافران اتوبوس غمگین پریشان شد و گوش هایشان را بلند کردند و چشمانشان به تماشای این تروریست عرب برآمده بود که با نفوذ به خلوت آنها، آنها را آزار داد و فضای شادی آنها را در این سفر شاد به هم ریخت، زیرا انتظار نمی رفت تروریست عرب نیز در میان آنها خواهد بود.

با ساختن آن اتوبوس وجدانی مینیاتوری از جامعه انسانی که راوی نماینده آن است، تا فرضیه ها و دیدگاه های خود را مطرح کند که در آن سعی می کند این رابطه / نتیجه جدید را تجسم بخشد، یا امید به برگزاری گفت و گویی که ثابت های قدیمی را تغییر می دهد. فرضیات برای ایجاد حالت تلاش برای سازگاری با بینش طبیعی، به این معنی است که همه انسان ها در یک بوته قرار دارند، مهم نیست که چقدر ایدئولوژی ها، جهت گیری ها و تضادهای آنها از واقعیتی نشأت می گیرد که همیشه منطبق مقایسه ناعادلانه را تحمیل

می کند. همانطور که خصلت درگیری را تحمیل می کند که از یک نقطه جهان به نقطه دیگر خاورمیانه منتقل می شود، بنابراین از ایده کلسیفیکاسیون که متن رمان نویس سعی دارد بر آن تأکید کند سود می برد. شاید مدل این گفت و گو بین ییل و راوی باشد. نشان دهنده این درگیری است. (غرب) که از این درگیری ها دور است.

«ما در حال ساختن دولت خود هستیم که سه هزار سال منتظرش بودیم، جمال، و در اینجا می بینیم که آنطور که آرزویش را داشتیم به وجود می آید... ما باید بالغ شویم. برای چی خودت و سعادتت و شخصیتت و تمام چهره ات در تمام دنیا از مظلوم به ظالم تبدیل شده است؟» (همان: ۹).

روش شناسی تحقیق

الف: بیگانه / غرب

مدل / عنوان بزرگ دیگری / غربی پدیدار می شود که مناقشه رابطه غرب و اعراب را مطرح می کند، بین زندگی خشک و وحشیانه در بحبوحه جنگ ها و آتش سوزی-هایی که متن رمان نویس اثبات می کند که توسط غرب ساخته شده است. راوی بین تمدن مادی و فرهنگی که غرب بر ویرانه های این درگیری وحشتناک بین اعراب و صهیونیسم زندگی می کند، معلوایه و دانش آن مکان و جزئیات آن را نشان می دهد که حکایت از غواصی در زمین آن دارد... شاید آنچه به نظر می رسد. از بیان شخصیت یهود تأکید مضاعف بر نقش هژمونی غرب بر توانایی هاست: کمک به یهودیان از یک سو و کنار گذاشتن آنها از صحنه اروپا از سوی دیگر.

و این همان چیزی است که بیانگر نفوذ ناپذیری راوی با این صحنه نمایان گر و تجسم یافته، هنرمندانه و مصور از رابطه ظالم و طعمه اش در فرافکنی از رابطه متقابل غرب و شرق، اعراب / فلسطینیان و صهیونیسم است.

شما به سمت عقب کشتی می روید... بسیاری از مرغ-های دریایی شما را غافل گیر خواهند کرد، زیرا آن ها به ماهی های تلو تلو خوران در میان انبوه پرندگان می جهند، به عنوان بیانی از آشفتگی دریای او در هرج و مرج خلاقانه ای که کشتی کار می کند. در این آب گزنده ایجاد کنید. گروهی از قاتلان مرغ های دریایی سفید ایستاده اند و آبی سفید

متمایل به سیاه خود را بر روی امواج دریا به نافرمانی از قدرت دریا می‌اندازند.

در زیبایی‌شناسی روایت در این متن روایی، طی‌نمایی از فیلم سفر دریایی در آن سرزمین‌های غربی، که در آن بیان به شکلی نمادین و زیبا و قابل تفسیر در بیش از یک سطح است که رابطه بین نیروهای نرم و متکبر صلح پنهان در نماد «سفید» کمال راوی را در جای دیگری می‌گوید و آن چیزی است که به خون بی‌گناه آلوده است... در یک پارادوکس شگفت‌انگیز.

ب: گفتمان فرهنگی

دبالوگ اهمیت گفتمان فرهنگی را برجسته می‌کند، نقشی که رمان به شدت به دنبال آن است تا به آن زبان مشترک بین آنتاگونیست‌ها برسد، شاید با تکیه بر یک گفتمان در درجه اول انسانی که ممکن است این علامت تابو بین راوی / جمال و دیگری / یایل را برجسته کند. از نظر رابطه انسانی، موانع زیادی نتوانست مانع آنها شود، زیرا ییل از یک صهیونیست (دیگر) صرفاً به یک همدم انسانی در امور زندگی تبدیل شد، آنها نماد این هستند که قربانیان این یک غربی دیگری هست که ممکن است تسخیر شده باشد. یک گفتمان فرهنگی متفاوت و متعالی از این گفتمان توخالی و خونین فرهنگی عرب، نفرت و احساس آزار و اذیت...

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

به نظر می‌رسد امری که بناست به عنوان فرهنگ تلقی شود، باید تحت یکی از عناوین پنج‌گانه‌ای که در ادامه می‌آید، قرار گیرد. بر این اساس، اموری را که از این پنج عنوان خارج هستند، اگرچه مرسوم و رواج یافته باشند، نوعاً نمی‌توان تحت عنوان فرهنگ قرار داد و آنها را جزئی از فرهنگ جامعه قلمداد کرد، هر چند ممکن است مبتنی بر فرهنگ جامعه یا مرتبط با آن باشند. این پنج عنوان که اساس فرهنگ یا جامعه را تشکیل می‌دهند عبارتند از:

عقاید و باورها: مراد از عقاید و باورها، باورهای قدسی و عقایدی است که شامل ایمان به غیب می‌شود، نه عقیده و باور به معنای «رأی و نظر» طبیعتاً آگاهی و جهان‌بینی

مقبول در یک جامعه و گرایش های فطری به امور معنوی، پایگاه اصلی سازنده عقاید دینی به حساب می آیند.

نگرش ها: منظور از نگرش، برداشت، تلقی و قضاوت نهایی یک فرد درباره یک مفهوم، پدیده یا شخص است. ممکن است این برداشت و تلقی، مطابق یا برآیند آگاهی های او و یا حتی مغایر با برخی آگاهی های او باشد و نیز ممکن است صرفاً چند آگاهی از میان تمام آگاهی های مربوط به یک موضوع یا مفهوم، نگرشی را در فرد ایجاد کند به عبارت دیگر «نگرش مستوی با همه آگاهی ها نیست، بلکه نوعی جمع بندی و یا برداشت منتخبی از آگاهی هاست».

علائق و گرایش ها: تمایلات و علاقمندی های افراد نیز جزء اموری است که می تواند به عنوان عناصر کلیدی فرهنگ تلقی شود. گرایش اگرچه مانند برخی دیگر از عناصر فرهنگ، یک امر درونی و شخصی محسوب می شود، ولی آنجا که به هر حال بروز و ظهور بیرونی پیدا می کند، قابل شناسایی خواهد بود و هنگامی که وجه مشترک افراد یک جامعه می شود یک عنصر فرهنگی به حساب می آید.

رفتارها و آداب شخصی: نوع رفتارهای افراد یک جامعه و آدابی که نحوه رفتار انسان را در موقعیت های مخلف زندگی شخص تعیین می کنند، یکی از مهمترین بخش های فرهنگ به حساب می -آیند. شاید عبارت «سبک زندگی» بیشتر با این بخش تناسب داشته باشد.

آیین و رسوم اجتماعی: منظور آن دسته از آداب اجتماعی است که چگونگی تعاملات انسان را در مناسبات اجتماعی و زندگی جمعی تعیین می کند. رسوم مربوط به اظهار غم و شادی، سوگواری ها و اعیاد از اهم این آیین ها به حساب می آیند (پایگاه اطلاع رسانی معنوی، ۱۳۹۱).

ب: تجزیه و تحلیل یافته ها

قابل ذکر است، پدیده های انسانی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باید در سه سطح تحلیل مرتبط با یکدیگر، مورد ارزیابی قرار گیرند. در واقع به تحلیل دو سطحی سنتی علوم اجتماعی و به ویژه جامعه شناسی - یعنی سطح خرد و کلان - باید سطح دیگری را هم

افزود. این سطح تحلیل، سطح میانه نام گرفته است. بنابراین در هنگام تحلیل پدیده‌هایی که به انسان-ها، آن هم در شکل و شمایل جمعی‌شان مربوط است و این تجمع تاریخ نیز دارد، باید به آنها در سطح خرد، در سطح میانه و بالاخره در سطح کلان نگریست (روح الامینی، ۱۳۹۶: ۶۳).

سطح کلان در برگیرنده ساختار جامعه و تاریخ مندی مندرج در آن است. برداشت ایستا از فرهنگ، آن را در سطح میانه قرار می‌دهد و بالاخره سطح هرد از افراد، شخصیت، رفتار و وقایع یاد می‌کند. اگر دیدی پویا در مورد فرهنگ اتخاذ شود، برای درک هرچه بهتر فرهنگ، ارتباط متقابل سه سطح فوق الزامی می‌گردد (کازمینی، ۱۳۹۸: ۹۱).

«تاریخ در حال تغییر است، دکتر یائیل... به آفریقای جنوبی نگاه کنید که امروز از رژیم آپارتاید آزاد شد... امیدوارم که هدف ملی خود را تغییر دهید، به خصوص پس از پایان دوره گتوهای غربی علیه شما، و این امر هر یهودی را تشویق می‌کند تا قبل از جنگ جهانی به وطن اصلی خود بازگردد».

آن تلاش‌هایی که بر اساس زبانی که راوی/من با این دیگری برخورد می‌کرد، موفق شد رابطه بین آنها را به شکلی عجیب و شگفت‌انگیز تجسم بخشد، که راوی با آن خواننده خود را متعجب کرد، در پی سلسله هیجان‌هایی که با آن شروع کرد. عنوان، و سپس با واکنش کینه توزانه انسانی مملو از برخی از آن زد و خوردها که ناشی از اعتقاد کامل به هر آنچه در جان‌ها از طریق گفتمان فرهنگی راهنما دیگری که می‌توانست خصومت و تضاد مستمر را بکارد، نشأت می‌گیرد، علاوه بر این اصل شنیدن و اطاعت که مشخصه هر اندیشه افراطی و ظالم است... «سفر ما به پایان می‌رسد... نمی‌دانم چگونه با او خداحافظی کنم... آیا به او قول داده بودید که در مدرسه مکزیکی‌اش به او سر بزیند؟ قول دادی در امان به من سر بزنی؟ آیا رابطه ما باید تثبیت شود و ادامه یابد؟...» (همان: ۱۸).

شاید این پرسش‌ها نشان‌دهنده واکنش‌هایی باشد که پیشامد و حوادث نبوده است، اما ممکن است منعکس‌کننده میل شدید برای ارتباط انسانی باشد، و حتی ممکن است در اینجا در ضمیر متن رمان‌نویس پیروز شده باشد، در بعد جغرافیایی و سیاسی، که بیانگر گفتمانی جدید برای پرداختن به آن است. دیگری که بزرگترین عنوان‌اش نشان‌دهنده

برخورد و تفاوت در همه رنگ‌های آن است، به طوری که نشانه تناقض متن و پرسش آن و امکان دستیابی به آن در زمین در مفهوم انسانی به طور کلی و آنچه ممکن است رمزگشایی شود. عنوان رمان!!! و آنچه که پرسش‌ها را در جهت وجود مشترک در میدان سوق می‌دهد، تغییر به چند عامل روانی، ممکن است بر فلسفه وجودی و شاید اختصاص به فرهنگ گفتمان تأثیر بگذارد، که ممکن است در این گرایش انسانی به جمع شدن متمرکز باشد. انسان‌ها، اما در روابط دایره‌ای که به زودی به پایان می‌رسد تا اینکه فکر او را به بازتولید مجدد حالت / نشانه تنش برمی‌گردانند، نشان‌دهنده تداوم این تضاد و این مناظره مداوم با مدل‌های دیگر در این هستی متلاطم است.

نتیجه‌گیری

در گذشته یهودیت صرفاً یک دین بود که پیروان آن در کنار مسلمانان و مسیحیان زندگی می‌کردند و با آنها تعامل داشته‌اند. اما امروز یهودیت با صهیونیسم ارتباط پیدا کرده است و ما را به یاد منافع سیاسی صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی می‌اندازد.

از اینرو، نویسندگان عرب در نوشته‌هایشان می‌کوشند با تحریک حس غیرت ملی به ویژه نسبت به عنصر زبان، روحیه اتحاد میان مردم را تقویت کند و معتقد به پیوند ملت‌ها توسط ادبیات پایداری است. در عین حال از مسایل جهان، بیرون از مرزهای جغرافیایی سرزمینی که در آن زاده شده نیز غافل نیست. ظالم را نکوهش می‌کند و مظلوم را به مبارزه با بیداد فرا می‌خواند.

رمان‌نویسان تحقیق حاضر، با قلم خود در راه رسیدن به هدفش که ترسیم آینده روشنی برای مردم فلسطین است، می‌جنگند و اطمینان دارند که روزی پرنده آزادی بر بام کشورش خواهد نشست، جنگ و کشتار برای همیشه رخت خواهد بست و مردم معنای زندگی واقعی را خواهند فهمید. «کیست مسئول عقب‌ماندگی؟ تو مسئولی، او و من، قبل از همه. بر ماست که مطالعه و برنامه‌ریزی کنیم. بدون توجه به گذشته به آینده بنگرید اشغال هرگز ادامه نمی‌یابد. بعد از اشغال با کارگران چه کنیم، سرمایه‌ها در بانک‌های اروپایی ذخیره شده است و به واسطه آن صنعت و بازار آنان در گردش است و ما همچنان عقب‌مانده خواهیم ماند. قبل از اینکه فرصت از دست برود اقدام به صنعت‌سازی کنید.

بنابراین، در ادبیات نویسندگان پژوهش حاضر، عوامل نهضت ادبی نیرو محرکه رمان‌های چهارگانه گردید. موضوع مقاومت مردم علیه مهاجران یهودی، موضوع فروش زمین‌ها و تلاش یهود برای سیطره بر فلسطین از موضوعات اصلی این آثار به شمار می‌رود. بررسی محتوایی این رمان‌ها نشان می‌دهد موضوع فلسطین و مهاجرت یهودیان به این سرزمین و مشکلات ناشی از آن، تا پیش از ۱۹۴۸ نیز وجود داشته، اما چندان جدی و مهم نبوده است. حتی از لحاظ کمی نیز، رمان‌های چندانی نوشته نشد که بتواند بیانگر آلام و آمال مردم فلسطین باشد.

لازم به ذکر است، یکی از مسائل مهمی که داستان-نویسان تحقیق حاضر به آن پرداخته‌اند، پیامدهای ضمنی رابطه نامتوازن میان زمان داستان و زمان سخن از یهودیت و تشکیل صهیونیسم است که منجر به گسست زمانی یا زمان پریشی می‌شود. توازی و تطابق کامل، آن‌گاه میسر است که زمان داستان و زمان سخن هم اندازه باشند که چنین امری اندک‌یاب است. این مسأله بیش از هر چیزی به جهت گیری تک خطی نظام نشانه‌ای زبان و بعد چند خطی زمان داستان برمی-گردد.

در این داستان‌ها، در مقدمه داستان، حادثه‌ای رخ می‌دهد و آرامش اولیه دچار روند تغییر می‌شود. کنش یا واکنش‌هایی که از طرف شخصیت اصلی و یا دیگر شخصیت‌ها انجام می‌شود در یک زنجیری علی و معلولی، حادثه بعدی را به وجود می‌آورند. این درگیری‌ها به نحوی در ادامه جریان داستان، به گره یا گره‌هایی تبدیل می‌شوند و به همین ترتیب در طول محور زمان، تنش‌ها (یا کنش‌ها و واکنش‌ها) اوج می‌گیرند و بحران شکل می‌گیرد. سپس در تداوم خطی ماجرا (زمان خطی داستانی) همه کردارها و اندیشه‌های شخصیت‌ها (قهرمان و ضدقهرمان) در نقطه اوج داستان با همدیگر برخورد می‌کنند. این گره افکنی‌ها، همان میانه داستان را تشکیل می‌دهند. در پایان، همه نیروهای شخصیتی و حادثه‌ای آزاد می‌شوند. گویا انفجاری رخ می‌دهد و سرانجام گره‌ها گشوده می‌شوند و نتیجه رقابت مشخص می‌شود.

فهرست منابع

الف - فارسی

۱. احدی، محمد (۱۳۸۹)، رژیم صهیونیستی، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهد صیاد شیرازی.
۲. روح الامینی، محمود (۱۳۹۶)، نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، تهران: نشر آگاه.
۳. صفاتاج، محید (۱۳۹۹)، اسرائیل بدون روتوش، تهران: آفاق روشن بیداری.
۴. طبار، عقیف (۱۳۳۵)، تهران: انتشارات جهان آرا.
۵. فتحی، غانم، احمد و داوود، قاهره: مکتبه غریب للطباعه و النشر و التوزیع.
۶. فحمان، صبحی (۲۰۰۶)، صدیقتی الیهودیة، بیروت: دارالآدبی.
۷. کثیری نژاد، سهیل (۱۴۰۰)، جغرافیای رژیم صهیونیستی، قم: نشر معارف اسلامی.
۸. گنجیان خناری، علی (۱۳۹۱)، ادبیات معاصر عربی، تهران: سخن.

ب - انگلیسی

1. Al-Zoubi, S. M., & Al-Zoubi, S. M. (2022). The portrayal of persons with disabilities in Arabic drama: A literature review. *Research in Developmental Disabilities*, 125, 104221.
2. Sicherman, H. (2011). American Diplomacy and the Arab-Israeli Conflict. *Orbis*. 55(3), 438-449.
3. Gusacov. E. (2018). Education for patriotism and the Arab-Israeli sector. *International Journal of Educational Development*. 60, 138-148.